

مراسم طلب باران در حوزه کویری ایران

ژیلا مشیری¹

(تاریخ دریافت: 92/08/20؛ تاریخ تأیید: 92/12/22)

چکیده

آب در فرهنگ و آداب و رسوم اجتماعی تمام مناطق، مذاهب و ادیان از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است. آب سبب حیات است و باران فرودآورنده حیات و زندگی. از آن جا که ایران کشوری است که مساحت زیادی از آن در منطقه خشک و کم‌آب بیابانی و کویری قرار دارد، همیشه با مشکل کم‌آبی و خشک‌سالی روبرو بوده است. به همین دلیل آیین‌های متنوع و متفاوت باران‌خواهی را در سراسر این پهنه می‌یابیم که بسیاری از آن‌ها با اساطیر کهن پیوند می‌خورند. باران‌خواهی در ایران به دو روش انفرادی و گروهی انجام می‌شود، اما اکثر مراسم طلب باران در ایران به شکل فعالیت گروهی است و با ساز و آواز و رقص آیینی، یا نماز و دعا همراه می‌شود. در مراسم باران‌خواهی ترانه‌هایی خوانده می‌شوند که در هر گوشه‌ای از ایران گویش مخصوص به خود را دارند، ولی تقریباً از درون‌مایه یکسانی برخوردارند. این مراسم در شهرهای حوزه کویری نیز با آداب و رسوم، اشعار و ترانه‌ها و مراسم خاص همراه است. پژوهش حاضر نگاهی به مراسم باران‌خواهی در این منطقه از ایران دارد.

واژه‌های کلیدی: آب، طلب باران، حوزه کویری، مراسم، اساطیر

1. دانشجوی دکتری و کارشناس ارشد پژوهشکده مردم‌شناسی میراث فرهنگی. این مقاله براساس پایان‌نامه کارشناسی ارشد با همین نام و با راهنمایی خانم دکتر فریبا میراسکندری انجام شده است.

مراسم طلب باران در حوزه کویری ایران

مقدمه

«آب» در اوستایی و «آو» در پهلوی، مقامی بس ارجمند داشته و دارد، و آن را نیک‌ترین آفریده اهورایی دانسته و در حفظ و پاسداشت آن تلاش فراوانی مبذول می‌داشته‌اند، به طوری که در ونیداد، برای پاکی و نیالودن آن دستورات اکیدی آمده است. در متون زردشتی، با صفات «پاک سودرسان زندگی‌ساز» (خرده اوستا، آب نیایش) بزرگ و گرامی گردیده است (محمدیان، 1383: 80). آب و آسمان در تفکر انسان کهن، رابطه‌ای تنگاتنگ دارند. در اسطوره‌های ایرانی، نخست آسمان و سپس آب آفریده می‌شود. آفرینش آب از گوهر آسمان است و باد، باران، مه، ابر بارانی و برف به یاری آب آفریده می‌شوند (بهار، 1388: 34).

مایه‌ی حیات بودن و تقدس آب، آن را چنان در ذهن ایرانیان شایسته گردانیده که از زمان زرتشت و پیش از آن برای این عنصر، ایزدان و فرشتگانی قائل بوده‌اند و برای هریک از این موکلان آیین‌ها و نیایش‌هایی اجرا می‌کرده‌اند. مهم‌ترین اسطوره‌ها «آناهیتا» و «تیشتر» هستند. بُن‌مایه‌های متعلق به آیین‌های آب را می‌توان در مراسمی که امروز با عنوان طلب باران یا باران‌خواهی در نقاط مختلف ایران، به صورت محدودتر و ساده‌تر از گذشته به اجرا در می‌آید، مشاهده کرد. این مراسم که پیوندی ناگسستنی با اسطوره‌های ایرانی دارند، در اجزای خود جزئیاتی را به نمایش می‌گذارند که در لابلای آن می‌توان هویت فرهنگی یک قوم را که سرچشمه‌ای واحد دارد، مشاهده کرد. «در بین نمونه‌های مراسم باران‌خواهی، بر اساس مقدار نیاز به بارندگی، رخدادهای قراردادی تعریف می‌شوند. در واقع شدت خشک‌سالی لحن و حالت طلب را دستخوش تغییر می‌کند. فضایی که مراسم در آن انجام می‌گیرد مشحون از استعاره و نماد است، که برخی خرافی و برخی دیگر مذهبی و بعضی اسطوره‌ای به‌شمار می‌روند» (علیزاده، 1380: 20). در مراسم باران‌خواهی، ستیزه بین انسان و طبیعت است. در تمام این آئین‌ها باران‌خواستن از نیرویی طبیعی است که خشک‌سالی بر مردم عارض کرده و زندگی را به تنگنا کشانده است. سختی و تنگنا، مردم این دیار را به کنج عزلت نمی‌کشاند، بلکه نیرویی خاص به او می‌دهد تا با باورها و آیین‌های خود، به جنگ با دیو قحطی و خشک‌سالی برود و می‌داند با همه محدودیت و ناتوانی که دارد، او پیروز این میدان است. در نقاط کویری و بیابانی که بیش از نیمی از خاک ایران را پوشانده، این مراسم با شدت و جزئیات خاص خود برگزار می‌شده است. چراکه باران در این منطقه از اهمیت حیاتی برخوردار است.

بیان مساله

با توجه به این‌که فلات ایران، به ویژه نواحی مرکزی ایران، حاشیه و اطراف کویرهای بزرگی همچون کویر لوت و دشت کویر، خشک است و کم‌آب، یکی از اساسی‌ترین مشکلاتی که مردم چه در شهر و چه در روستا با آن روبرو بوده و هستند، تامین آب است. خشک‌سالی و کم‌آبی پیاپی باعث شده مردم این مناطق که از راه دامداری و کشاورزی امرار معاش می‌کنند، همواره به تامین آب بیندیشند. بی‌گمان باران، یکی از اصلی‌ترین منابع تامین کننده آب، در نواحی خشک بوده و هست و ارزش حیاتی باران برای کشاورزان و دامداران که به شدت متکی به نم و رطوبت زمین‌اند، سبب شده تا همیشه چشم به آسمان بدوزند و در انتظار آمدن ابرهای باران‌زا باشند.

حال این سؤال در ذهن شکل می‌گیرد که مردم این سرزمین با وجود شرایط آب و هوایی و وضعیت بارندگی که از زمان‌های بسیار دور بر آنان حاکم بوده‌است، برای تسکین و کنترل روحیات خود و ایجاد آرامش روانی که از ترس کم‌آبی و نباریدن باران به وجود می‌آمد، چگونه عمل می‌کرده‌اند؟ با توجه به صدمات جبران‌ناپذیری که هر ساله، در اثر کمبود باران بر مردم وارد شده، و هرآسی که از کمبود آب در دل مردم وجود دارد، سنت‌ها و آیین‌هایی برای طلب باران به وجود آمده است. اما آیا این سنت‌ها و آیین‌ها بازتاب تلاش ذهن و ادراک عملی انسان برای ارتباط او با آفریدگار، هم‌نوع و جهان پیرامونش هست؟ آیین‌های کهن هریک به نوبه خود در طول تاریخ و در ارتباط با سرزمین، اقلیم، محیط و طبیعت، تحولات و گوناگونی‌هایی را در اجزا و عناصرشان می‌یابند. اعمال و اجزای هر آیین همراه با فعالیت‌های نظام‌یافته فردی و جمعی که در آن آیین وجود دارد، در رفتار، گفتار و حرکات انسان‌ها بازتاب یافته و در زمان، مکان و شرایط حاکم بر آن شکل گرفته و تغییر می‌کند و میراثی را برجای می‌گذارد که خود ابزار درک بهتر ماهیت آیین‌ها، ریشه‌ها و روند تحول، تکامل و ساختار اجتماعی آن می‌شود. این تحولات در آیین طلب باران چگونه بوده است و اساطیری که ما را به این مراسم پیوند می‌دهند، کدام‌اند؟

روش تحقیق

روش تحقیق در این پژوهش مطالعات کتابخانه‌ای، میدانی، مصاحبه و مشاهده است. جامعه آماری این پژوهش مناطق کویری ایران است. این مناطق شامل تمام استان‌هایی است که کویر یا بخشی از آن را در بر می‌گیرند. در این پژوهش 13 استان مورد بررسی قرار گرفته است.

مراسم طلب باران در حوزه کویری ایران

استان‌های یزد، کرمان، فارس، سمنان، اصفهان، قم، خراسان جنوبی، خراسان رضوی، خراسان شمالی، بوشهر، هرمزگان، سیستان و بلوچستان و تهران برای نمونه برداری انتخاب شده‌اند. در مناطق کویری به علت اهمیت زیاد آب و کم‌آبی‌های مفرط، این مراسم در زمان‌های بیشتر و به شکل گسترده‌تری برگزار می‌شده است. با توجه به وسعت زیاد منطقه مورد تحقیق از روش نمونه‌برداری استفاده شده و از هر استان یک یا دو منطقه مورد بررسی قرار گرفته است.

چارچوب مفهومی

در مورد اعتقادات و باورهای مردم در مناطق مختلف جهان، نظریه‌پردازان و محققین بزرگ، نظرات خود را بر پایه مشاهدات خود، که سالیان متمادی در زمین تحقیق، بررسی و مطالعه کرده‌اند، به رشته تحریر در آورده‌اند. آنان معتقدند باورها و اعتقادات مردم در طول زمان، شکل و کارآیی خود را از دست می‌دهند و با شکل تغییر یافته خود، ادامه حیات می‌دهند. مراسم باران‌خواهی نیز از مراسمی است که اگرچه تغییر شکل داده، ولی هنوز به حیات خود در جامعه ادامه می‌دهد. در واقع برگزاری مراسم طلب باران برای باران‌خواهی است، هرچند این مراسم ضرورتاً منجر به آب‌سالی نمی‌شود، ولی باز در دوره‌های خشک‌سالی تکرار می‌شود. حال سؤال این است که چرا به رغم ادامه خشک‌سالی، این مراسم به قوت خود باقی مانده و تکرار می‌شود؟ برگزاری این مراسم هرچند ممکن است منجر به نتایجی نشود که افراد به دنبال آن هستند، ولی منجر به نتایج ضمنی و پنهانی می‌شود. افراد در روزهای بحرانی خشک‌سالی و کم‌آبی، با اجرای مراسم دعای باران با یکدیگر همدردی و همراهی می‌کنند. این وحدت از یکسو آن‌ها را به هم نزدیک کرده، و از طرف دیگر از ناراحتی و بحران این مصیبت می‌کاهد. در حقیقت مراسم باران آن‌ها را به یکدیگر نزدیک‌تر کرده و در نتیجه در بالای سخت، خود را تنها و درمانده احساس نمی‌کنند. همین نتایج ضمنی موجب شده تا به رغم عدم تحقق نتایج مورد نظر، مراسم دعای باران اعتبار خود را حفظ کرده و تکرار شود.

این پژوهش نگاهی کارکردی به مراسم طلب باران دارد. «رادکلیف براون، روش کارکردگرایی را تحت تاثیر پیشینیان خود از جمله دورکیم پایه‌گذاری کرد. او معتقد بود، نظم اجتماعی از یک وحدت کارکردی برخوردار است. به نظر او، کارکرد اصلی نهاد نه برآوردن نیازهای افراد، بلکه حفظ و نگهداری ساختار و الگوهای روابط اجتماعی جامعه و نهادهاست (فرخ نیا، 1382: 185). از کارکردهای مراسم طلب باران و باران‌خواهی می‌توان به حفظ و

نگهداری ساختمان اجتماعی اشاره کرد. طلب باران رسمی است که تحول یافته و به شکلی جدید انجام می‌شود. با نگاهی به این مراسم در ایران، و کارکردی که امروزه دارد، می‌توان به این نکته پی برد که در بعضی مناطق، برگزاری این مراسم تنها به دلیل طلب باران و باران-خواهی نیست و در بعضی نقاط، شکل همیاری، سرگرمی و گاه بازی و پرکردن اوقات فراغت هم به خود گرفته است. گرچه نمی‌توان نقش اصلی و کارکردی آن‌را که باران‌خواهی است، نادیده گرفت. برای مثال می‌توان از پختن آش نام برد که باعث گردهم‌آیی زنان و پرکردن اوقات فراغت آنان و سرگرمی برای کودکان شده است.

همان‌طور که ذکر شد این مراسم با این که تغییر شکل داده ولی هنوز از بین نرفته است. اگرچه امروزه این مراسم در نقاط مورد بررسی اجرا می‌شود، اما برای جوان‌ترها یک رسم اثرگذار نیست، بلکه تنها نقش تفنن و سرگرمی دارد. این مساله با نظریه بقای تایلر قابل تحلیل است. تایلر معتقد است آداب و رسوم که کارکرد خود را از دست می‌دهند، بر حسب عادت در جامعه بعدی در قالب چیستان، بازی‌های کودکانه و... تداوم می‌یابند. او این مفهوم را در جوامع پیشرفته نیز شناسایی کرد. به طور خلاصه تایلر در نظریه بقا، باورها و رسوم غیرکارکردی عجیب و غریب مردم متمدن را به عنوان مصنوعات باستانی یا آثار بقایا در نظر می‌گیرد (فرخ‌نیا، 1382: 87).

قائل شدن روح برای عروسک باران به عنوان یکی از عناصر مهم باران‌خواهی، در تمام مناطق مورد مطالعه وجود داشته است. «ایزد بانویی که تجسم ذهنی مظهر آب بوده و وجود مجرد او از جمله در آیین‌های باران‌خواهی نمودی عینی پیدا کرده و بر حوزه عمل ایزد باران نیز سایه گسترده است و تندیسک او را در کوچه‌ها می‌گردانده و واسطه در خواست باران قرار می‌داده‌اند» (میرشکرای، 1380: 89). «به باور تایلر، انسان ابتدایی با این معرفت و شناختی که به پدیده روح پیدا کرده بود، به جان‌پنداری می‌رسد؛ اعتقادی که به روح‌مندی کلیه موجودات، حتی مخلوقات بی‌جان و پدیده‌های فیزیکی نیز منجر شده و بر آن است که همه چیز و همه اشیا دارای جان هستند؛ جان و روحی فعال، که وقایع جهان را در اختیار دارد و بر اراده انسان حاکم است. لنسکی در این زمینه معتقد است انسان‌های نخستین در این مرحله، باور داشتند دنیا پر از ارواح نامرئی است، که بر جریان وقایع تاثیر می‌گذارند. بسیاری از این ارواح و شاید بیشتر آن‌ها در اشیا مادی مانند گیاهان، جانوران، سنگ‌ها یا دیگر پدیده‌های طبیعی جای دارند (لنسکی، 1369: 179).

1) مراسم طلب باران

آب، همواره مسئله مردم سرزمین ایران بوده است. فلات ایران، با موقعیت جغرافیایی خاص خود سرزمینی خشک است، که متوسط بارندگی آن از متوسط جهانی کمتر است و میزان تبخیر آن هم بسیار بالاست. از اسطوره نبرد تیشتر و معبدهای آناهیتا، ایزدبانوی آب، و نیایش و قربانی برای او گرفته تا ضرب‌المثل‌ها و قصه‌های عامیانه، همه گویای این است که همیشه این مردم در پی آب بوده‌اند. اما مردمی‌ترین آن در مراسم «باران‌خواهی» و «طلب آب» جلوه می‌کند؛ مراسمی که در گوشه‌گوشه این سرزمین مرسوم است. مراسم آئینی، به سبب ریشه داشتن در فرهنگ و فولکلور مردم، دارای عمیق‌ترین بن‌مایه‌های عقیدتی، انسانی و اجتماعی است و در شکل‌گیری آن‌ها اراده مستقیم و رویکرد آمرانه‌ای در کار نبوده و حاصل تبیین ذهنی و عاطفی مردم و نوع ارتباط و نگرش آنان به هستی و محیط زندگی آنهاست. از لحاظ زیبایی‌شناختی هم به شیوه‌ها و آداب خاصی از زندگی، به منظور هرچه ژرف‌اندیشانه‌تر و معنادارتر کردن آن نظر دارند. این آئین‌ها متناسب با قوم‌ها و ملیت‌های گوناگون، علت‌ها و شاکله‌های متفاوتی دارند. برخی از آن‌ها زمینه‌های مذهبی دارند و بعضی هم با نوع زندگی و فرهنگ خاص مردم یک منطقه ارتباط مستقیم دارند. حال این سؤال در ذهن شکل می‌گیرد که مردم این سرزمین، با وجود شرایط آب و هوایی و وضعیت بارندگی که از زمان‌های بسیار دور بر آنان حاکم بوده است، برای تسکین و کنترل روحیات خود و ایجاد آرامش روانی که از ترس کم‌آبی و نباریدن باران به وجود می‌آمد، چگونه عمل می‌کرده‌اند؟

مراسم باران‌خواهی مراسمی بوده که علاوه بر جنبه کارکردی آن که طلب باران از خدای باران بوده، آرامش ذهنی و روحی نیز ایجاد می‌کرده و با نام‌های متفاوت، ولی اشکال نزدیک به هم در اکثر مناطق ایران به خصوص مناطق کویری برگزار می‌شده است. مراسم باران‌خواهی به صورت انفرادی و گروهی برگزار می‌شود.

1-1) مراسم انفرادی

در مراسم انفرادی، باران‌خواهی به صورت فردی انجام می‌شد. نوشتن دعای طلب باران و یا نام چهل کچل و آویختن آن بر درخت برای بارش باران، نهادن قیچی در زیر ناودان، وارونه گذاردن بیل در آبراه خانه‌ها، انداختن تکه سنگی که از قبرستان برداشته‌اند به آب، انداختن فرد سید یا متدین در آب، شستن پایه عَلم یا منبر در آب رودخانه یا چشمه، از جمله مراسمی هستند که برای درخواست باران انجام می‌شوند. هرکدام از این آئین‌ها در روح و جان خود

نشان از رفتارها و رسومی دارند تا ایزدان باران را به بارش باران برانگیزانند. بعضی از مراسم باران‌خواهی شکل مراسم مذهبی و دینی به خود می‌گیرد. شستن منبر یا پایه علم در آب یکی از این نمونه‌هاست. در دامغان در صورت نیاریدن باران، شخص مومن یا سیدی پایه منبر مسجدی را در آب روان می‌شوید. «با این کار اعتبار دو مهم که هر دو نزد مردم، قداست خاصی داشته، به حرمت هم قسم داده می‌شوند. این‌شکل از باران‌خواهی دارای زمینه‌ای عصیانی است. وقتی پایه منبر را در آب می‌گذارند، در این صورت حرمت شکستن دوگانه می‌شود، حرمت شیعی و حرمت آب، و این نیز به نشانه شدت، تنگی و مضیق سخت است. لاجرم رحمت هم دوچندان انتظار می‌رود. اما این موارد تعبیر دیگری نیز می‌تواند داشته باشد که شاید به ذهنیت بنیادین آن نزدیک‌تر باشد. تعبیر این که بانوی آب‌ها را برای بارانیدن باران به‌اشیا متبرک، سوگند می‌دهند و باز به تعبیر دیگر، شاید آن اشیا متبرک و خود آب را واسطه درخواست باران قرار می‌دهند (میرشکرایی، 1380: 105).

2-1) مراسم گروهی

آیین‌ها و مراسم گروهی باران‌خواهی در مناطق کویری ایران را با توجه به شیوه‌های برگزاری و وسعت آن‌ها می‌توان به ترتیب زیر طبقه‌بندی نمود.

۱. رسم‌های باران‌خواهی که صورت نمایشی دارند و کوسه نقش اصلی است.
۲. رسم‌های باران‌خواهی که محور اصلی و وجه اشتراک همه‌آن‌ها، عروسکی است که زنان و دختران درست می‌کنند و بچه‌ها در کوچه‌ها می‌گردانند.
۳. نیایش و نماز باران و رفتن به مصلی
۴. گونه‌های دیگر مراسم باران‌خواهی

1-2-1) رسم نمایشی با نقش کوسه

رسم‌های نمایشی با نقش کوسه، که تا سال‌های دهه چهل همین سده رایج بود و هم اکنون به اشکال ساده‌تر و تغییر یافته‌تر وجود دارد، صرف‌نظر از ریشه‌های کهن در دوره معاصر، دو شکل مختلف و در واقع دو کارکرد اصلی متفاوت داشت. یکی حمایت مالی از چوپان و دیگری باران‌خواهی. صورت دوم آن (باران‌خواهی) بیشتر به نام‌های کوسه گلین و گشنیزو شهرت داشت و معمولا هنگام خشک‌سالی و کمبود آب برگزار می‌شد (میرشکرایی، 1359: 30). درباره این که نام کوسه و نقش آن، که در طیف کاربردی و کارکردی گسترده در اکثر

مراسم طلب باران در حوزه کویری ایران

نقاط ایران وجود داشته، چگونه و چطور به وجود آمده‌است، منبع یا سند قانع‌کننده‌ای وجود ندارد. «صورت کهن این واژه، کلمه آرامی کوزبرت (kuzbarta) به معنی گشنیز (نام یک گیاه) است. این واژه در زبان پهلوی به صورت نوشتاری هزوارش، و به صورت گفتاری گشنیز به کار می‌رفته‌است» (مشکور، 1357: 97). فرهنگ معین واژه کزبره را برای معنی گشنیز ضبط کرده‌است که باید به کلمه کزبرت مربوط باشد. با توجه به این‌که واژه گشنیزو یا گشنیزی نام عروسک‌های باران در مناطق مرکزی تا جنوبی ایران است، باید نام کوسه نیز در ترکیب با واژه گلین به‌همان معنی گشنیزو عروسک باران باشد.

کوسه در مناطق مورد مطالعه با نام‌های مختلف رواج داشته‌است. چنان‌که کرمانی‌ها به آن لوک؛ در قم، سمنان، کاشان و فارس به آن کوسه؛ در ایل باصری کوسنگلون¹؛ در کازرون گلابارون؛ در قم هوانی؛ در بوشهر گلی و گلینا؛ در کاشان کوسه به در می‌گویند. نحوه برگزاری این مراسم در مناطق مورد بررسی با تفاوت‌های کوچک ولی شبیه به هم هست.

کوسه از میان افرادی که برای باران‌خواهی جمع می‌شوند، انتخاب می‌شود. او نم‌چوپان‌ها را به سر و کپک پاره‌ای به تن می‌کند، کلاهی مسخره به سر می‌گذارد، ریشی از موی بز درست کرده و صورتش را با آرد سفید می‌کند و به لباس کوسه شاخ و برگ درخت خرما می‌آویزند. در این مناطق، شغل اکثر مردم به خصوص در نقاط روستایی، کشاورزی و دامداری است. کشاورزان چشم بر آسمان دارند تا خداوند بر آن‌ها رحم کرده و بر زمین کشاورزی یا دام‌تشنه آنها بباراند. به همین دلیل است که لباسی که کوسه بر خود می‌پوشاند، از محصولات کشاورزی یا دامداری است.

علامت مشخص کوسه در اکثر نقاط ایران در سال‌های دهه چهل و بعد از آن، سرپوش نم‌دی و دو شاخ بوده‌است. «در نقش برجسته ایلامی کورانگون، یک خدا یا شاه ایلامی به اتفاق همسرش، در یک مراسم آیینی که به روشنی تطهیر در آب را می‌نمایاند، نشان داده شده‌اند. هر دو نفر، خدا و خدایانو یا شاه و شاه‌بانو، کلاه یا تاجی که دارای دو شاخ است، بر سر دارند. مشابه این نوع کلاه در مهرها و نقش‌مهرهای متعدد یافته شده در کاوش‌های ایلامی دیده می‌شود» (نگهبان، 1372: 206). این مساله می‌تواند در نظام گله‌داری، پرورش دام و کشاورزی که نظام‌های تولیدی مسلط جوامع مورد بحث بوده‌است، با آب و درخواست آب و لاجرم با باران و باران‌خواهی ارتباط داشته باشد.

در بعضی مناطق دیگر مثل قم، یک مرد عروس می‌شود و مرد دیگر هم که کوسه نامیده می‌شود، شوهر او محسوب می‌شود. هر دو لباس‌های کهنه و مندرس می‌پوشند، به در خانه‌ها می‌روند و شروع به خواندن ابیات باران‌خواهی می‌کنند. کوسه با شکل و شمایلی خنده‌دار و مضحک، به همراه افرادی که او را همراهی می‌کنند، در خیابان‌ها و کوچه‌ها به راه می‌افتند. به هر خانه‌ای که می‌رسند، به خواندن ترانه‌هایی می‌پردازند که در جاهای مختلف فرق می‌کند.

کوسه گلینم شاخ زرینم، بارون آوردم، شیرینی می‌خوام. (فارس)

الله خدا بارون بده، بارون بی‌پایون بده، گندم به اربابون بده، جو به خردارون بده. (خراسان)

هوانی و هوانی ... خدا بده بارونی / گندم به زیر خاکه ... از تشنگی هلاکه (قم)

صاحبخانه نیز مقداری آرد، گندم، شکر، چای، روغن و ... به کوسه گلین می‌دهد و بر روی او و همراهانش آب می‌پاشد. «پاشیدن آب بر روی کوسه و همراهانش، به پندارهای انسان ابتدایی باز می‌گردد. انسان ابتدایی با دست زدن به این عمل ظاهراً انجام آن را تقلیدی از فروباریدن آب توسط خداوند می‌دانست، زیرا روش‌هایی که در ابتدا برای کمک ارواح و پس از آن، کمک به خدایان به‌کار می‌رفته «روش تقلیدی» بوده است؛ به‌این معنی که هرکاری را که انسان می‌خواسته خدایان انجام دهند، نظیر آن را انجام می‌داده و ظاهراً می‌خواسته خدایان را به تقلید از خود وادار سازد. مثلاً اگر می‌خواستند باران ببارد، جادوگر آب بر روی زمین می‌پاشید و برای آن که بهتر تقلید شده باشد آب را از روی درختی به زمین می‌ریخت. (احمدی ری‌شهری، 1375: 39)

بعد از این که کوسه و همراهانش به خانه‌ها سر زدند و وسایلی را جمع‌آوری کردند، به خانه ریش‌سفید محل، مسجد یا حسینیه‌ای می‌روند و به پختن آش یا نان مشغول می‌شوند. در هنگام پخت نان در داخل یکی از چانه‌های نان، مهره یا سنگ‌ریزه‌ای قرار می‌دهند. سپس نان‌ها را پخته و بین افراد توزیع می‌کنند. سنگ‌ریزه در نان هرکس پیدا شد، شروع به کتک زدن او می‌کنند، تا این که کسی ضمانت او را بکند. ضامن قول می‌دهد که تا هفت روز دیگر باران ببارد. اگر باریدن باران تا هفت روز بعد اتفاق افتاد که هیچ، وگرنه بعد از اتمام هفت روز و نباریدن باران، ضامن را به باد کتک می‌گیرند تا ضامنی دیگر پیدا شود و این پروسه تا باریدن باران ادامه خواهد داشت. مساله ضمانت که تقریباً در مراسم باران‌خواهی همه مناطق وجود دارد، موضوعی قابل توجه است. این که چرا کسانی ضامن می‌شوند و چرا در اعتقاد مردم ضمانت این افراد مورد قبول ایزد باران قرار می‌گیرد، قابل بررسی است. «در اساطیر ما، دو ایزد

مراسم طلب باران در حوزه کویری ایران

مهم آب وجود داشت، ایزدبانوی آناهیتا و ایزد تیشتر. اما ایزد دیگری نیز بوده که وظیفه نگهداری از پیمان، پاسبانی نوع بشر، محافظت از کشتزارها و آرامش بخشی به سرزمین های ایرانی را داشته و آن ایزد مهر بود. مهر، ایزد باران ساز هم بود. در یشت ها آمده که چهره اش همانند ستاره تیشتر می درخشد و او را دارنده ی دشت های فراخ دانسته که آب ها را زیاد می کند و باران می باراند» (فرسیو، 1381: 13). ضامن شدن و پیمان بستن برای باریدن باران از مهم ترین وظایف ایزد مهر یعنی ایزد نگهدارنده پیمان هاست. از ضمانت در باران خواهی به عنوان ابزاری برای در تنگنا قرار دادن ایزدان استفاده می شد. مردم بین خود جنگ زرگری راه انداخته و با کتک و گاه مظلوم نمایی یکدیگر را مجبور به انعقاد پیمانی می کردند. از آن جا که برای بر سر پیمان بودن، یعنی باریدن باران، هیچ توانی به جز دعا نداشتند، دعای خود را به موضوع مورد علاقه مهر می آمیختند و به خیال خود به قدرت دعا می افزودند. در واقع با راز و نیاز به ایزد مهر می گفتند که اگر دعای شان را مستجاب نکند، پیمان شکن محسوب خواهد شد.

1-2-2) رسم عروسک باران

رسم های عروسک باران که حوزه گسترش آنها، بیشتر مناطق ایران و از جمله مناطق کویری را نیز در بر می گیرد، با مراسم مربوط به نمایش آیینی کوسه شباهت های فراوان دارد. از جمله گردیدن در کوچه ها، جمع کردن مواد غذایی، خواندن ترانه های مخصوص مربوط به باران خواهی و ..

این عروسک، اگرچه در مناطق مختلف به نام های مختلف خوانده می شود، ولی در واقع در نوع برگزاری مراسم مشابهت های فراوانی با هم دارند. این عروسک ها ساخته دست زنانند و اگر کودکان مبادرت به ساخت این عروسک کنند، دختران به این کار گمارده می شوند و این خود نشانی است از آناهیتا ایزدبانوی آب، که در تمام اسطوره ها و در تمام نشانه ها زن بوده است. به نظر می رسد رسم عروسک باران، ادامه رسم کوسه باشد. حتی ترانه ها نیز در مناطق مختلف شبیه به هم بوده و در مناطق مختلف تغییرات بسیار جزئی مشاهده می شود.

عروسک باران نیز مثل کوسه با نام های متفاوت وجود داشته است. نام هایی چون چولی قزک¹ در خراسان، عصارخون² در کاشان، تلانک در سمنان، گل گشنیزو در کرمان، چولی چغل در سبزوار، چمچه گلین در قم، کلوبارونی در یزد و سیستان، موشکو در زاهدان، و رعینه¹ در بوشهر.

1. culi ghazak

2. asarxun

ساختن عروسک باران و خواندن ترانه‌های باران بازگوکننده خواسته کشاورزان و دامداران برای بارش باران است. این مراسم نیز در همه مناطق شکل یکسانی دارد و تفاوت تنها در شکل عروسک و ترانه‌های آن هست. برای ساخت آن زنی مومن و معتقد را انتخاب می‌کنند. این زن عروسک را می‌سازد و این عروسک برای همیشه نزد او باقی می‌ماند. طرز ساخت آن به این شکل است که چوبی را به صورت عمودی بر یک آبگردان (ملاقه بزرگ) محکم می‌کنند، به طوری که به صورت صلیب درآید. به تن آن لباس کهنه می‌پوشانند و صورت آن را نیز نقاشی می‌کنند. مدیریت مراسم عروسک باران با زنان است. بعد از ساخت، آن را در اختیار کودکان قرار می‌دهند و به صورت دسته‌جمعی در کوچه‌ها می‌گردانند و جلوی هر خانه می‌ایستند و ترانه‌هایی می‌خوانند.

آی تلانک بارون کو، بارون کو / ور چوی چوپانو کو / ور بیل دهقانون کو (سمنان)

چولی قزک² بارون کن بارون بی پایون کن

گندما به زیر خاکن از تشنگی هلاکن

گل‌های سرخ لاله از تشنگی می‌نال

چولی قزک بیا بیا با ابرای سیا سیا

بارون ببار جر جر تو ناودونا شر شر (خراسان)

بارون نمی‌باره خدا گل گشنیزو³ چارقدا طلا

دنیا رو غرق او⁴ می‌کرد گل گشنیزو هوهو می‌کرد

سایه کویر، آب غدیر می‌خواد دلش گل گشنیزو چوب چوپان می‌خواد دلش (سیرجان)

تالونی⁵ آی تالونی خدا بده بارونی

از تشنگی هلاکه گندم به زیر خاکه (شهر ری)

صاحبخانه به کودکان شیرینی، آجیل، حبوبات، آرد یا سبزی می‌دهد و بر روی عروسک

باران آب می‌پاشد، به طوری که در طول مراسم عروسک آن قدر خیس می‌شود که آب از آن

1. raena

2. نام عروسک باران

3. نام عروسک باران

4. آب Ow

5. نام عروسک باران

مراسم طلب باران در حوزه کویری ایران

می‌چکد. کودکان شیرینی و آجیل را بین خود تقسیم کرده و مواد جمع شده را به مادران خود می‌دهند. آنان نیز از این مواد آشی پخته و بین خود تقسیم می‌کنند و سپس مقداری از این آش را به نیت باریدن باران از ناودان به پایین می‌ریزند. در سمنان گاهی اسکلت جمجمه خری را پیدا کرده زنان آن را رنگ‌آمیزی می‌کنند و همانند عروسک باران آن را در دست گرفته، کودکان شعر می‌خوانند و در انتها آن را درون دورترین رشته‌ی کاریز می‌اندازند.

«رسم عروسک باران که حوزه‌های گسترش آن بیشتر مناطق ایران را در بر می‌گیرد، دارای مشترکات و مشخصات کلی زیر است:

- ۱- همه‌جا زنان و کودکان برگزارکنندگان این رسم هستند.
 - ۲- محور اصلی همه رسم‌ها، عروسکی است که زنان و دختران درست می‌کنند و بچه‌ها آن را در کوچه‌ها می‌گردانند.
 - ۳- همه عروسک‌ها به گواهی شکل ظاهر و نامی که بر آن نهاده‌اند، تندیسک‌هایی زنانه‌اند.
 - ۴- در تمامی ترانه‌هایی که در جریان این رسم بچه‌ها به صورت دسته‌جمعی می‌خوانند، درخواست باران وجود دارد.
 - ۵- انجام این رسم‌ها وابسته به زمان معینی از گردش سال نیست و هر زمان که باران نیارد، این رسم برگزار می‌شود. به عبارت دیگر برگزاری رسم‌های عروسک باران در همه‌جا در ارتباط مستقیم با خشک‌سالی است و فقط در این شرایط انجام می‌شود» (میرشکرای، 1380: 98).
- نکته قابل توجه در چهره‌سازی این عروسک این است که زنانی که چهره عروسک را سوزن‌دوزی می‌کنند تلاش می‌کنند عروسک را زشت و عبوس نشان دهند. اما درباره این موضوع که عروسک باران یا کوسه نماد کدام اسطوره است، نظرات مختلفی وجود دارد. بعضی عروسک را نماد آناهیتا می‌دانند. «عروسک در حقیقت تصویر یا به عبارت دیگر روح آناهیتا ایزدبانوی آب‌هاست و مظهر باران‌خواهی. در آیین‌های باران‌باستی پیوستگی میان عروسک و این ایزدبانو باشد که می‌تواند نقش باران‌سازی داشته باشد. از همین رو بسیاری، وجود عروسک در آیین‌های باران‌خواهی ایران را نماد آناهیتا ایزدبانوی آب که ایزد آب و باروری است، می‌دانند (عاشورپور، 1387: 9)». «ایزدبانویی که تجسم ذهنی مظهر آب بوده و وجود مجرد او از جمله در آیین‌های باران‌خواهی نمودی عینی پیدا کرده و بر حوزه عمل ایزد باران نیز سایه گسترده است و تندیسک او را در کوچه‌ها می‌گردانده و واسطه درخواست باران قرار می‌داده‌اند» (میرشکرای، 1380: 89).

در یشت پنجم اوستا، از آناهیتا اسطوره آب و زایش سخن به میان آمده است. «اردویسور آناهیتا، ایزدبانوی همه آبهای روی زمین و سرچشمه اقیانوس کیهانی است. او بر گردونه‌ای سوار است که چهار اسب آن را می‌کشند: باد، باران، ایر و تگرگ. وی همچنین سرچشمه زندگی است و به همین دلیل جنگجویان در نبرد، زنده ماندن و پیروزی را از او طلب می‌کنند. در یک توصیف زنده و جاندار اردویسور آناهیتا، با یک دوشیزه زیبا با قدی بلند، بدنی نیرومند و پاک توصیف شده است» (روحانی‌راوری، 1390: 42). بدین ترتیب آناهیتا ایزد آب بوده است و نه ایزد باران. ایزد باران که یشت هشتم اوستا به ستایش او اختصاص داده شده تیشتر بوده است. اسطوره باران‌کرداری ایزد تیشتر از کهن‌ترین اسطوره‌ها است. «در یشت هشتم اوستا درباره‌ی اسطوره باران‌سازی تیشتر چنین آمده: تیشتر ستاره‌ای آب‌چهر است ... که نژاد از ایام نپات دارد (کرده 2، بند 4). به یاری او چشمه‌های آب، نیرومندتر از اسب بتازند (کرده 3، بند 5). وی به پیکر اسبی به سوی دریای فراخکرت نیرومند ... می‌آید و آب‌ها را متلاطم می‌کند (کرده 5، بند 8). آنگاه سدویس این آب‌ها را به هفت کشور رساند (کرده 5، بند 9). تیشتر، ده‌شب نخستین را به پیکر مرد پانزده‌ساله پرواز کند (کرده 6، بند 13) ده‌شب دوم را، در روشنی‌ها پروازکنان، به پیکر گاو نر زرین شاخی درآید (کرده 6، بند 16) و ده‌شب سوم را نیز پروازکنان، تن به پیکر اسب سپید زیبای زرین‌گوش و زرین‌لگامی درآورد (کرده 6، بند 18) و به دریای فراخکرت فرود آید (کرده 6، بند 20)» (جعفری‌دهقی، 1389: 28)

«بدین ترتیب اگر در این آیین، عروسک را نماد آناهیتا بدانیم، پس آناهیتا باید تیشتر را راضی کند تا باران ببارد، چرا که تنها از او به عنوان ایزد باران یاد شده است. از آن‌جا که عروسک را در اشعار عروس باران می‌نامند، احتمالاً در باورهای نانوشته مردمانه پیوندی میان تیشتر و آناهیتا بسته شده است، گرچه در هیچ کجای متون کهن، نشانی از ازدواج این دو ایزد نیست. همچنان که در باورهای مردمانه، کاریزها را نر و ماده می‌دانستند و برای پربار شدن کاریزها آن‌ها را به عقد هم درمی‌آوردند. گویا نر و ماده بودن آب‌ها و نیز کاریزها ماندگاری است از مراسم دوران ستایش آناهیتا و تیشتر. می‌توان گمانه زد با توجه به برپایی آیین ازدواج مقدس در ایران باستان، پیوند آناهیتا و تیشتر گره‌برداری از آن آیین بود» (نعمت طاوسی، 1391: 275).

اما موضوعی که این مساله را نقض می‌کند و ما را به این نتیجه می‌رساند که باید در اساطیر کهن جستجوی بیشتری کنیم این است که در همه متون کهن، به زیبایی تیشتر و آناهیتا اشاره

مراسم طلب باران در حوزه کویری ایران

شده است. «در یک توصیف زنده و جاندار اردویسور آناهیتا، با یک دوشیزه زیبا با قدی بلند، بدنی نیرومند و پاک توصیف شده است» (روحانی‌راوری، 1390: 42). در اوستا، یشت هشتم به ستایش ایزد تیشتر اختصاص دارد و تیشتر را با القابی چون باشکوه، فرهمند، نورانی، درخشنده و سپید ستوده‌اند (پیرایه‌مشفق، 1383: 9). حال این سؤال پیش می‌آید که با توجه به زیبایی ستوده شده این دو ایزد، چرا کوسه باید صورتی زشت داشته باشد و لباس‌هایی کهنه بپوشد، یا چرا صورت عروسک باران باید زشت، اخمو و با لباس‌هایی مندرس باشد. شاید به این دلیل که در نگاه اکثر محققینی که به این مساله پرداخته‌اند به «پوش»، دیو خشک‌سالی که با تیشتر ایزد باران برای مبارزه با خشک‌سالی می‌جنگد، توجه کمی شده یا نادیده گرفته شده است. «بندهای 20 تا 30 تیشتر یشت، صحنه مبارزه دو هم‌اورد تیشتر و اپوش است. تیشتر به صورت اسب زیبای سفید زرین‌گوشی، با ساز و برگ زرین، به دریای گیلهانی فرو رفت. در آنجا با دیو اپوش که به شکل اسب سیاهی بود و با گوش و دم سیاه خود ظاهری ترسناک داشت روبرو شد، رودررو سه شبانه روز با هم جنگیدند» (هینلز، 1368: 35-37). با توجه به آرایش کوسه و یا عروسک باران آیا نمی‌توان آن‌ها را نمادی از دیو خشک‌سالی دانست؟ دانشنامه ایران «پوش را کلمه‌ای ترکیبی از آ و پوش می‌داند و با تکیه بر حرف نفی آ جز دوم «پوش» را به معنای رویش می‌گیرد و به این امکان می‌اندیشد که اپوش را بی‌رویش بخواند. یعنی دیوی که ضد رویش و باروری است» (رجبی، 1384: 452). از سوی دیگر مهرداد بهار در توصیف اپوش، او را اسپه کوتاه با گوش‌هایی کوتاه، دم‌ی کوتاه، گر و سهمگین توصیف می‌کند (بهار، 1374: 55). با توجه به اینکه کوسه در فرهنگ لغت به معنی بسیار تُنک و کم پشت معنی شده و آنرا ویژگی مردی می‌دانند که جز چند تار موی نازک بر صورتش مویی نمی‌روید (انوری، 1381: 6001)، آیا نمی‌توان آن را نمادی از اپوش دانست؟! گر بودن اپوش نیز می‌تواند نزدیک بودن این ذهنیت را به واقعیت روشن سازد. حتی ریختن آب بر روی کوسه و عروسک باران نیز می‌تواند نشانی از پیروزی تیشتر در مبارزه با اپوش باشد که باران می‌باراند. هرکدام از این نشانه‌ها می‌تواند نشانی از اپوشه دیو خشک‌سالی باشد که در کوچ‌ها گرداننده می‌شود و گاه مورد تمسخر و نیشخند قرار می‌گیرد.

1-2-3) نیایش و نماز و دعای باران

نیاز به باران، مساله امروز و دیروز و این‌جا و آن‌جا نیست. نیازی است کهن به قدمت فرهنگ

و گستردگی عرصه‌ی حیات انسان بر پهنه‌ی خاک. باران در همه‌ی فرهنگ‌های کهن، رحمت آسمانی است. بنابراین اگر چندان نبارد، که خشک‌سالی شود و تدبیرها به جایی نرسد، چاره‌ی آخر نیایش است و درخواست رحمت.

در ایران، قدیمی‌ترین نشانه‌های حاکی از نیایش برای باران را، در تیریش، یشت ستایش تیشتر، یزد باران می‌بینیم. در این یشت، وظیفه‌ی پایداری در برابر دیو خشک‌سالی به صراحت و روشنی از وظایف تیشتر به شمار آمده است. مردمان سرزمین‌های آریایی باید او را با نمازی به بانگ بلند و با سخن‌رسانا بستایند. باید با اندیشه و با گفتار نیک یعنی با نیت و بیان پاک او را نیایش کنند (تیر یشت، بند 3). باید برای او زوهر نثار کنند، برسم بگسترانند و برایش گوسفند یک رنگ بریان کنند (تیریش، بند 58؛ پورداوود، 1347).

تیریش در عین حال جلوه‌هایی از این آیین‌ها را در روزگاران قبل از زردشت نیز می‌نمایاند که قربانی و بریانی کردن گوسفند از آن جمله است. بنا به یک متن به زبان سغدی در میان اقوام ایرانی آسیای میانه، و هم‌زمان با دوره اشکانی و ساسانی گونه‌ی دیگری از نیایش برای باران وجود داشته که با آداب و رفتارهای جادویی آمیخته بوده است. این آیین بر پایه نه‌گونه سنگ که رنگ‌ها و خواص مختلف داشته‌اند و در متن، توضیح و توصیف آن‌ها آمده است و نیز بر پایه آداب و رفتارهایی پیچیده قرار داشته و به نیایش پایان می‌پذیرفته است. متن یاد شده چنین است:

«... من به تو نماز می‌گزارم ای باد معطر دادگر، باد پیروزگر نیرومند با اراده استوار، عنایتی به من عطا فرما، عنایتی بر این سرزمین مرحمت کن. آن نیرو بفرست تا ابر برخیزد و باران سودمند بریزد. تا کشت زرع نیکو شود. تا گیاهان و علف‌های طبی بروید. تا مردم غذای سالم داشته باشند و در زیر سایه شکوه تو و نیروی تو خوشنود توانا و آرام گردند...» (قریب، 1348: 17).

از دوره ساسانی نیز بر اساس نقل ابوریحان و در آثارالباقیه از برگزاری نماز و نیایش باران خبر داریم. ابوریحان می‌نویسد در زمان پیروز، نیای انوشیروان در ایران خشک‌سالی شد. پیروز به‌آتشکده‌ی "آذرخوار" فارس آمد و برای باریدن باران دعا کرد و نماز گزارد و پس از آن چنان بارانی بارید که آب سرآورده‌ی شاه را فرا گرفت (بیرونی، 1321: 300).

در دوره اسلامی و با وجود مصلاهای اغلب شهرهای ایران، برگزاری رسم و آیین طلب باران تداوم یافته است. در کتاب‌های دعا از جمله مفاتیح‌الجنان، مجمع‌الدعوات و نهج‌البلاغه

مراسم طلب باران در حوزه کویری ایران

دعاهای مخصوص باران وجود دارد. آنچه در زیر می‌آید بخشی از دعای طلب باران در صحیفه‌ی سجاده‌است.

«... ای آفریدگار متعال ما را از سرچشمه ابرها، زلال رحمت بچشان و باران‌های پر برکت خویش را بر زمین‌های تشنه و سوخته ما فروبار. به فرشتگان رحمت و رافت خویش فرمان کن که ابرهای برکت را به سوی ما برانند و کام تشنه‌ی ما را با زلال باران سیراب سازند... بارانی که فراوان، سودمند، فرح‌بخش و نشاط‌افزا باشد. بارانی که زوایای مرده زمین را زنده سازد... بارانی که ناف زمین بگشاید و کودک نبات برآورد و بر روزی روزی - خواران بیفزاید... ابری که فشرده و آبدار باشد و رگباری گوارا، فرخنده و فراوان بیفشاند... ابری که برق‌آور و آتش‌زا نباشد... بارانی که در دره‌های ژرف سیل برانگیزاند و چاه‌ها را از شربت گوارا لبریز سازد... بارانی که در مزرعه‌ها، خوشه‌های پربار پیروراند و در مرتع‌ها پستان‌های بی‌شیر را از شیر سرشار سازد...» (صحیفه سجاده، 192)

مراسم دیگری که شکلی مذهبی دارد نیز برای درخواست باران برگزار می‌شود. این رسم، "سیاه‌پوش کردن نخل" است، در بعضی از مناطق بررسی شده مانند سمنان، و خراسان جنوبی و رضوی نخل بزرگ شهر را بعد از سیاه‌پوش کردن با حالت عزاداری در محل می‌گردانند و به نیت بارش باران، عزاداری کرده و در این عزاداری حضرت اباعبدالله‌الحسین (ع) را شفیع قرار داده و دعای باران قرائت می‌کنند تا پروردگار برکات آسمانی خود را نازل کند.

1-2-4) مراسم دیگر مربوط به باران خواهی 1-2-4-1) کوزه شکستن

در این مراسم، زنان کوزه‌ای آب برداشته و بدون این که با هم حرفی بزنند، در کوچه‌ها می‌گردند. سپس در کنار خانه یک سید یا فرد متدین می‌ایستند و کوزه را بر دیوار زده و می‌شکنند. بعد از شکستن کوزه دست به دعا می‌گیرند و برای بارش باران، نزد خدا دعا می‌کنند. شکستن کوزه، از بین بردن قضا و قدر نحس یا همان خشک‌سالی و کم آبی است.

1-2-4-2) سوزاندن جمجمه الاغ

این رسم در دهه‌های قبل، در کلیه مناطق مورد بررسی رواج داشته است. بر روی استخوان جمجمه الاغ، دعا می‌نویسند و سپس در آتش می‌سوزانند. بعد از آتش زدن کله خر، خاکستر آن را در ظرفی ریخته، به زن بیوه‌ای می‌دهند. او ظرف خاکستر را به سرچشمه یا رودخانه‌ای می‌برد و در طول مسیر رسیدن به چشمه، زنان او را همراهی می‌کنند. زمانی که به سرچشمه یا رودخانه رسید، پشت خود را به آب رودخانه می‌کند و در همان حالت خاکستر را به آب می‌ریزد. در کاشان برای طلب باران سر الاغی را بر روی کانال آب زیرزمینی یا به اصطلاح کوره آب که در آن آب جریان داشته باشد، آتش می‌زنند تا به خاکستر تبدیل شود. اگر در حین سوختن، استخوان ترکید، می‌گویند در آسمان باز شد و باران خواهد بارید. داستانی نیز در این باره وجود دارد. در زمان‌های گذشته بارندگی به قدری کم شده بود که هیچ‌گونه علفی یافت نمی‌شد تا گوسفندان و بزها بخورند. به همین علت، شیر بزها سیاه شده بود. در میان بزهایی که چوپان آنها را می‌دوشید، شیر یکی از بزها سفید بود. در یکی از روزها که چوپان بزها را به صحرا برده بود به دنبال آن بز رفت تا ببیند کجا علف می‌خورد که شیرش سفید است. بز وارد شکاف یا دخمه‌ای از کوه شد که در داخل آن مقداری علف روییده بود و علف‌ها را خورد. چوپان نگاهی به بالای سرش انداخت. دید سر الاغی به سقف دخمه آویخته شده که از دماغ آن آب می‌چکد و در اثر آن علف می‌روید. هر وقت ابر در آسمان ظاهر می‌گردد، سر الاغ فریادی می‌کشد و ابر از هم پاشیده می‌شود. سر الاغ را پایین آورد، دید در آن دعایی نوشته که بارندگی نشود و آن دعا را در دهان الاغ قرار داده بودند. بدین ترتیب چوپان سر الاغ را آتش زد و بارندگی شروع شد. البته درباره دلیل آتش‌زدن جمجمه الاغ، روایت دیگری هم هست:

«اما این سوزاندن جمجمه الاغ از کجا نشأت می‌گیرد؟ چرا این اعتقاد آن قدر زیاد است که تقریباً در اکثر گستره منطقه مورد تحقیق وجود داشته است. شاید علت آن موجود اساطیری به نام خر سه‌پا است که، تشتر را در تقسیم و جمع‌آوری آب‌های دریای فراخکرت یاری می‌کند» (دوست‌خواه، 1370 : 212).

نتیجه‌گیری

بررسی باورها آغازگاه پیدایی فرهنگ است. فرهنگ، با تحول باورها، اعتقادات و آیین‌ها به عنوان بنیادی‌ترین جهان‌بینی انسان، سویه‌های گوناگونی به خود می‌گیرد. شناخت فرهنگ هر

مراسم طلب باران در حوزه کویری ایران

ملتی بی‌شناختِ تحولاتی که در باورهای آن قوم به وجود آمده امکان‌پذیر نیست و بررسی این تحولات، یاری‌رسان ما در آگاهی از بسیاری تحولات اجتماعی، اعتقادی، سیاسی و فکری منطقه خواهد بود. عقاید و باورداشت‌های هر قومی با توجه به شیوه‌ی زندگی، در عمق فکر و ذهن آن قوم ریشه دارد و هنگامی که با دید باز و تفکری ژرف به مفهوم این اعتقادات توجه داشته باشیم، در خواهیم یافت که در هر کدام از آن‌ها، دستورات اخلاقی و انسانی مفیدی نهفته است که رعایت کردن‌شان نه تنها لازمه زندگی است، بلکه در نهایت در راستای رهنمود دادن به مردمی خواهد بود که به این باورها معتقدند. حتی در افراطی‌ترین این دستورات راز و رمزی پنهان است که جلوه‌هایی از اندیشه‌ها و گرایش‌های نیاکان ماست. ریشه‌یابی و تحلیل این باورها که در زمان‌های دراز، دگرگونی‌هایی به خود گرفته، در اثر پیشرفت روزافزون بشر به دست فراموشی سپرده شده است. بسیاری از این باورها نشان‌دهنده عدم شناخت بشر اولیه از محیط و طبیعت اطرافش بوده است که امروزه به سبب بالا رفتن علم و آگاهی او به صورت پندار و خرافه در آمده، ولی به عنوان گنجینه‌های مسیر تکاملی و پیشرفت اندیشه‌های بشری، نمونه‌هایی از میراث معنوی ما هستند که باید به ثبت رسانده شود. نمونه‌ای از این باورها، آیین‌هایی است که برای طلب یا ازدیاد باران صورت می‌گرفته است. با توجه به این‌که فلات ایران به ویژه نواحی مرکزی ایران، حاشیه و اطراف کویرهای بزرگ چون کویر لوت و دشت کویر خشک است و کم‌آب، یکی از اساسی‌ترین مشکلاتی که مردم چه در شهر و چه در روستا با آن روبرو بوده و هستند، تامین آب است. خشک‌سالی و کم‌آبی پیایی باعث شده است مردم این مناطق که از راه دامداری و کشاورزی امرار معاش می‌کنند، همواره به تامین آب بیندیشند. بی‌گمان باران یکی از اصلی‌ترین منابع تامین‌کننده آب در نواحی خشک بوده و هست و ارزش حیاتی باران برای کشاورزان و دامداران که به شدت متکی به نم و رطوبت زمین‌اند، سبب شده تا همیشه چشم به آسمان بدوزند و در انتظار آمدن ابرهای باران‌زا باشند.

در حوزه‌های متفاوت جغرافیایی و فرهنگی مراسم و آیین‌های گوناگونی برای باران‌خواهی و پیرامون تقدس آب برگزار می‌شود، که شکل بسیاری از آن‌ها با اساطیر کهن پیوند دارد. این مراسم که تقریباً در اکثر مناطق ایران حتی در نواحی شمالی ایران که حداکثر بارندگی را دارد، برگزار می‌شود، راهکاری بوده برای مبارزه با آن‌چه قحطی و خشک‌سالی نامیده‌اند. این مراسم، علاوه بر کارکرد روانی که داشت و ترس از قحطی و خشک‌سالی را کاهش می‌داد، باعث کارکرد و تاثیرات اجتماعی دیگر نیز همچون وحدت، همدلی، سرگرمی، شادی و... نیز بوده

است. امروزه در بسیاری نقاط انجام این مراسم تنها به دلیل باران‌خواهی انجام نمی‌شود و یکی از دلایل اجرای آن سرگرمی و تفریح هم هست. شاید بتوان با اشاره به نظریه بقایای ادوارد بارنت تیلور، این موضوع را مورد تایید قرار داد که باورها و اعتقادات مردم در مسیر زمان بر اساس تحولات و تغییراتی که صورت می‌گیرد، شکل اصلی خود را از دست داده و به دلیل آگاهی‌های به دست آمده امروزی، این باورها کارکرد گذشته را نداشته باشد.

آیین‌های باران‌خواهی به دلیل یاری نیروهای ماورا الطبیعی و ایزدان قهرمان در مبارزه با دیو خشک‌سالی پدید آمده‌اند. پدید آمدن آن‌ها، خویش‌کاری نیاکان ما در نبرد همواره‌ی خیر و شر، ترسالی و خشک‌سالی بوده است. کسانی که به باور خود به نیروهای کیهانی کمک می‌کردند و از آن‌ها متقابلاً در شرایط طبیعی دشوار فلات خشک ایران یاری می‌خواستند. همه این آیین‌های فولکلوریک ریشه در اسطوره‌هایی دارد که سرچشمه‌ای واحد دارند. بیشتر نمونه‌های این آیین به صورت گروهی برگزار می‌شود. هنگامه نبرد تیشتر (ایزد باران‌ساز) با اپوشه (دیو خشک‌سالی) در یاد ایرانیان به شکل افسانه و اسطوره زنده نگه داشته شده تا در هنگام کم‌آبی با گونه‌ای از جادوی هومیوپاتی همواره آن حماسه را همسان‌سازی کنند و امیدوار باشند که سرزمین‌شان با آب باران سیراب خواهد شد و نسل‌شان بر این سرزمین مقدس حفظ خواهد شد. حتی گاهی این آیین، شکل اسطوره‌ای خود را فراموش می‌کند و نمادی مذهبی می‌یابد، آن‌جا که برای باران‌خواهی علمی را زینت می‌دهند و آن را به دوش گرفته و بر سر مزار مردگان می‌روند و از خداوند طلب باران می‌کنند و معتقدند خداوند رحمت و باران را نازل خواهد کرد و بر این عقیده‌اند که باران الهی بلافاصله شروع به باریدن می‌کند. هر فرهنگی ارزش‌های خاص خود را دارد و از وضعیت خاصی برخوردار است و هیچ‌کس نمی‌تواند نقش هر فرهنگ را در غنای میراث فرهنگی جهانی کتمان کند. تنوع فرهنگی باید وسیله‌ای برای گسترش همکاری‌های مشترک، ایجاد سازگاری بیشتر میان انسان‌ها، احترام به حفاظت از محیط زیست، آشتی و نیز کاهش اختلافات و رفع مسالمت‌آمیز تضادها باشد و از آن‌جا که یکی از مهم‌ترین کارکردهای مراسم طلب باران، همین مساله یعنی گسترش همکاری مشترک و همیاری بیشتر بین انسان‌ها و هم‌فکری برای کاهش تضادها و اختلافات و حل مشکلی است که برای همه مساله‌ساز شده است، پژوهش و کمک به حفظ حیات آن ضروری می‌نماید. برای دوباره حیات بخشیدن و زنده کردن این مراسم یا حفظ حیات آن که اکنون در بعضی نقاط، آن هم به شکل تغییر یافته وجود دارد، باید تمهیداتی

مراسم طلب باران در حوزه کویری ایران

اندیشیده شود. تمهیداتی که به تبلور ادامه حیات فعلی اثر یاری رساند و تضمین کند ادامه حیات آن به خطر نخواهد افتاد.

منابع

- صحیفه سجاده
- احمدی ری شهری، عبدالحسین (1375). *سنگستان*. بوشهر: بوشهرشناسی.
- انوری، حسن (1381). *فرهنگ بزرگ سخن*. جلد ششم. تهران: انتشارات سخن.
- بهار، مهرداد (1374). *تیشتر فرشته با شکوه باران آور*. کلک. شماره 67.
- _____ (1388). *نگاهی به تاریخ و اساطیر ایران باستان*. تهران: نشر علم.
- بیرونی، ابوریحان (1321). *آثارالباقیه*. ترجمه اکبر دانا سرشت. تهران: کتابخانه خیام.
- پوردادود، ابراهیم (1347). *یشت ها (گزارش)*. جلد 1. تهران: کتابخانه طهوری.
- پیرایه مشفق، زهرا (1383). *تاملی بر تیر تیشتر و آپوش*. فرهنگ، 51-52. پاییز و زمستان.
- جعفری دهقی، محمود (1389). *گزارش منوچهر جم از تیشتر باران ساز در متن فارسی میانه دادستان دینی، زبان شناخت*. پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی. سال اول. شماره دوم. پاییز و زمستان.
- دوستخواه، جلیل (1370). *اوستا؛ کهن ترین سرودهای ایرانیان*. گزارش و پژوهش اوستا. جلد 2. تهران: انتشارات مروارید.
- رجیبی، پرویز (1384). *دانشنامه ایران*. تهران: انتشارات دائرة المعارف بزرگ اسلامی.
- روحانی راوری، حسین (1390). *تالو؛ نماد باران خواهی*. فصل نامه پژوهش گران فرهنگ. شماره بیست و نهم. سال دهم.
- عاشورپور، صادق (1387). *نگاهی به مراسم باران خواهی چمچمه خاتون*. فصلنامه تاتر. شماره 42 و 43.
- علیزاده آهی، فرهاد (1380). *«بررسی جنبه های نمایشی مراسم تمنای باران در ایران»*. استاد راهنما. دکتر سید مصطفی مختاباد؛ استاد مشاور، دکتر فرهاد ناظرزاده کرمانی، دانشکده هنر.
- فرخ نیا، رحیم (1382). *نظریه های مردم شناسی*. اراک: نشر نویسنده.
- فرسیو، سهراب (1381). *سه رسم کهن ازدیاد آب و طلب باران*. فصل نامه فرهنگ و مردم. شماره 3 و 4. پاییز و زمستان.
- قریب، بدرالزمان (1348). *طلسم باران از یک متن سعدی*. نشریه انجمن فرهنگ ایران باستان. شماره 1. سال 7.

- لسنکی، گرهارد و جین (1369). *سیر جوامع بشری*. ترجمه ناصر موفقیان. تهران: انتشارات انقلاب اسلامی.
- محمدیان مغایر، زهره (1383). *ترانه‌های عروسک باران*. کتاب ماه هنر. فروردین و اردیبهشت.
- مشکور، محمد جواد (1357). *فرهنگ تطبیقی عربی با زبان‌های سامی و ایرانی*. تهران: بنیاد فرهنگ ایران.
- میرشکرایی، محمد (1380). *انسان و آب در ایران*. تهران: کمیته ملی آب ایران.
- _____ (1359). *کوسه‌گردی، صحنه معاصر (نشریه انجمن تاتر ایران)*. شماره اول. اسفندماه.
- نعمت طاوسی، مریم (1391). *رمزگشایی پاره‌هایی از آیین‌های باران‌خواهی ایران*. مجله مطالعات ایرانی. دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه شهید باهنر کرمان. سال یازدهم، شماره بیست و یکم.
- نگهبان، عزت الله (1372). *حفاری هفت تپه دشت خوزستان*. انتشارات سازمان میراث فرهنگی کشور.
- هینلز، راسل جان (1368). *شناخت اساطیر ایران*. ترجمه ژاله آموزگار و احمد تفضلی. چاپ اول. تهران: انتشارات چشمه.